

217881 - تعداد احادیث آل بیت گرامی از احادیث دیگر اصحاب کمتر نیست

سوال

سؤال من درباره‌ی راویان حدیث است، زیرا بیشتر احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از طریق عائشه و ابوهریره و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهم أجمعین - وارد شده است و کمتر می‌بینیم که احادیث از طریق اهل بیت، مانند علی بن ابی‌طالب، فاطمه، حسن و حسین - رضی الله عنهم أجمعین - وارد شده باشد. در حالی که آنها بیش از همه به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نزدیک هستند و بیش از همه به وی دسترسی داشته‌اند، پس چرا چنین است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

موضوع روایت از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - موضوع شماره و سال‌ها نیست، بلکه باید هنگامی که به آن می‌نگریم عوامل تأثیر گذار و مهارکننده در این موضوع را نیز مورد توجه قرار دهیم، که از جمله‌ی آنها: همنشینی بسیار، عمر طولانی، مشغولیت به نقل حدیث و روایت، سن راوی هنگام همنشینی با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و ارتباط بسیار با مردم و تأثیرگذاری بر آنها و نیاز مردم به وی، همچنین توجه خود راوی به این کار، وقت گذاشتن و زحمت به خاطر آن و در تعارض نبودن اولویت‌های وی یا منصب‌های دیگرش با این امر و عوامل بسیار دیگری که در تعداد روایات راوی که برای ما نقل شده تأثیر داشته است و نباید تنها به عامل نزدیک بودن با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - توجه کرد.

بر همین اساس می‌توانیم آنچه در این سؤال آمده را توضیح دهیم:

اولاً: اینکه تعداد احادیث اهل بیت گرامی، اندک است، صحیح نمی‌باشد، بلکه بسیاری از آل بیت در زمینه‌ی روایت از مکثرین می‌باشند. مثلاً علی بن ابی‌طالب - رضی الله عنه - نزدیک به (۴۲۳) روایت دارد، در حالی که ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - فقط (۵۹) روایت دارد و عمر بن خطاب - رضی الله عنه - (۲۴۰) حدیث از او روایت شده است و عثمان بن عفان - رضی الله عنه - فقط (۹۲) حدیث دارد؛ و این یعنی احادیثی که علی بن ابی‌طالب - رضی الله عنه - در کتاب‌های حدیثی دارد به تنهایی از مجموع روایات سه خلیفه‌ی قبلی‌اش بیشتر است، پس بعد از این دیگر درست نیست گفته شود که آل بیت گرامی روایتشان در کتاب‌های حدیث کمتر است.

دوم: عائشه و ابوهریره - رضی الله عنهما - در سال ۵۷ هجری وفات یافتند و عبدالله بن عمرو بن العاص در سال ۶۳ هجری و عبدالله بن عمر در سال ۷۳ هجری وفات یافت، پس طبیعی است که اینها در مدت زمان حیاتشان که تقریباً طولانی بود

بتوانند احادیث بیشتری را از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت کنند در نتیجه روایاتشان بسیار شود.

این در حالی است که فاطمه - رضی الله عنها - تنها شش ماه، و گفته شده سه ماه، پس از وفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وفات یافت. "نگاه: تاریخ الإسلام (۲۹/۲)"، بنابراین نتوانست مانند دیگر صحابه روایت کرده و از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حدیث بگوید، و همگی پیشگام بوده و نزد الله دارای فضیلت هستند.

این امر - به نظر ما - از مهمترین اسباب تفاوت تعداد روایات است و این سبب - چنانکه می‌بینی - ارتباطی به مسائل سیاسی و اعتقادی ندارد بر خلاف کسانی که تاریخ را جز از زاویه‌ی تعصب نمی‌خوانند.

سوم: سؤال‌کننده نباید فراموش کند که عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - که پسر عموی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است از مکتوبین در زمینه‌ی روایت است و در کتاب‌های حدیثی و روایی در حدود (۱۱۸۴) حدیث دارد، در حالی که عبدالله بن عمر بن خطاب - رضی الله عنهما - (۱۱۵۳) روایت داشته و روایات معاویه بن ابی سفیان - رضی الله عنه - از (۷۲) حدیث بیشتر نیست.

همچنین نباید فراموش کرد که امثال عبدالله بن زبیر - رضی الله عنهما -، کسی که - به ناحق - اولین شخص تحت تعقیب از سوی حاکمان دولت اموی بود، او که پسر عمه‌ی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بوده و با این وجود در کتاب‌های حدیثی در حدود (۴۳) حدیث دارد و در مقابل روایات طلحة بن عبیدالله - رضی الله عنه - با وجود اختلافش با علی بن ابی‌طالب - رضی الله عنه - و جانب‌داری از مخالفانش، از (۲۱) حدیث فراتر نمی‌رود.

بنابراین مسائل سیاسی تأثیری در تعداد روایات صحابه‌ی گرامی نداشته است همانگونه که موضوع خویشاوندی با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و نسب ایشان تأثیری در تعداد روایات نداشته است.

چهارم: معلوم است که حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت در سال ۴ هجری متولد شده‌اند و این یعنی هنگامی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وفات یافت آنها کم‌سن و سال بوده و هنوز به بلوغ نرسیده بودند، این امری است که بدون تردید بر روایات آنها تأثیرگذار بوده است چرا که حوادث مهم را همراه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مشاهده نکرده‌اند و در دوران حیاتشان به خاطر پرداختن به اتحاد امت و یک‌صد کردن آن و رفع ستم و سرکشی و حوادث جدید و فتنه‌هایی که در مدت کوتاهی زندگی‌شان با آن مواجه بودند، به روایت حدیث مشغول نشدند؛ زیرا امام حسن - رضی الله عنه - در سال ۴۹ هجری وفات یافته و امام حسین بن علی - رضی الله عنهما - در سال ۶۱ هجری وفات یافت، در نتیجه مجموع روایات آنها - رضی الله عنهما - از (۲۰) حدیث بیشتر نیست.

به همین صورت: مشغولیت خالد بن ولید - رضی الله عنه - به جهاد در راه الله و حفاظت از مرزهای مسلمین، روایاتش در کتاب‌های حدیثی بیش از ۱۰ حدیث نیست و این امر عجیبی نیست.

همسران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که بیش از هر کسی با وی همنشین بوده‌اند و نسبت به امور و سیرت وی - علیه الصلاة والسلام - آگاه بودند و در بزرگسالی با آنها ازدواج نمود و وفاتشان نیز به تأخیر افتاد، با این وجود در کتاب‌های حدیثی تعداد اندکی حدیث از آنها روایت شده است. از جویریہ - رضی الله عنها - (۵) حدیث و از حفصہ - رضی الله عنها - (۲۴) حدیث و از رملہ (ام حبیبہ) - رضی الله عنها - (۲۱) حدیث و از زینب بنت جحش - رضی الله عنها - (۶) حدیث و از سوده بنت زمعه - رضی الله عنها - (۳) حدیث و از صفیہ بنت حی - رضی الله عنها - (۷) حدیث و از میمونہ بنت حارث - رضی الله عنها - (۳۶) حدیث و از ام سلمہ (هند بنت ابی امیہ) - رضی الله عنها - (۱۷۴) حدیث روایت شده است؛ یعنی مجموع روایات مادران مؤمنان - به غیر از عائشہ - رضی الله عنها - (۲۷۶) حدیث می‌باشد، یعنی در حدود نصف روایات یکی از آل بیت گرامی مانند علی بن ابی‌طالب - رضی الله عنه - .

هیچ کس نمی‌تواند در توضیح این پدیده، ادعا کند که اسباب سیاسی یا قبیله‌ای تأثیر داشته است، و هرکس چنین گمانی کند با مقتضای عقل سالم مخالفت کرده است بلکه این امر - چنانکه - گفتیم به تخصصی بازمی‌گردد که الله عزوجل در هر یک از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - قرار داده است، مسئولیت برخی از آنها جهاد بوده و برخی دیگر در زمینه امور مؤمنان و یکی زندگی‌اش را در عبادت و مناسک صرف کرد و دیگری وقتش را در کار و آن یکی در امور حکومت‌داری وقتش صرف شده در نتیجه نتوانسته برای روایت حدیث خود را فارغ کند.

به همین صورت اسباب بسیاری وجود دارند که می‌توان در مورد زندگی اصحاب به آن اندیشید و یکی از آنها را صحابه‌ی گرانقدر ابوهریره - رضی الله عنه - بیان کرده است، آنجا که می‌گوید: (مَا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدٌ أَكْثَرَ حَدِيثًا عَنْهُ مِنِّي ، إِلَّا مَا كَانَ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، فَإِنَّهُ كَانَ يَكْتُبُ وَلَا أَكْتُبُ) بخاری (۱۱۳) "هیچ‌یک از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بیش از من حدیث نگفته است جز عبدالله بن عمرو، زیرا او می‌نوشت و من نمی‌نوشتم".

در اینجا ثابت می‌شود که "نوشتن" یکی از اسباب مهم در تفاوت تعداد روایات صحابه‌ی گرامی است.

ابوهریره - رضی الله عنه - همچنین به نکته‌ای مهم در رد یکی از این شبهات و بیان یکی از اسباب مهم در تفاوت صحابه در روایت اشاره می‌کند: مشغولیت یک راوی و فارغ بودن دیگری:

امام بخاری در صحیح خویش **باب حفظ العلم** (۱۱۸) از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت می‌کند که گفت: «مردم می‌گویند که ابوهریره زیاد روایت می‌کند و اگر دو آیه در کتاب الله نبود هیچ حدیثی روایت نمی‌کردم. سپس تلاوت نمود: **إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنْ آيَاتِنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ** "کسانی که نشانه‌های روشن، و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم، نهفته می‌دارند" تا آنجا که می‌فرماید: **الرَّحِيمُ** [البقرة: ۱۶۰، ۱۵۹] ، همانا برادران مهاجر ما را، خرید و فروش در بازارها مشغول کرد و برادرانمان از انصار را کار در دارایی‌هایشان (کشاورزی) به خود مشغول داشت در حالی که ابوهریره به سیر کرد شکمش راضی بود و پیوسته رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را همراهی می‌کرد، و در جاهایی حاضر بود که آنها حاضر نبودند و

چیزهایی را حفظ می‌کرد که آنان حفظ نمی‌کردند!!

پنجم: تعیین جایگاه و فضیلت و منزلت، نزد اهل سنت بر اساس فراوان بودن روایت نیست و گرنه ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - از نظر جایگاه از دیگران پایین‌تر می‌بود چرا که روایاتش اندک و بلکه به ندرت می‌باشند؛ بلکه معیار، فضیلت‌هایی است که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت شده و بزرگواری‌هایی است که در زندگی‌نامه صحابی وارد شده است.

پنهان نیست که علی بن ابی‌طالب و فاطمه و حسن و حسین - رضی الله عنهم جمیعاً - نزد اهل سنت دارای فضیلت و مقام والا هستند و هیچ عاقلی از آن بی‌خبر نبوده و جز شخص جاهل یا مخالف لِحِجَازِ آن را انکار نمی‌کند؛ چرا که نه؟ در حالی که آنها آل بیت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و محبوبان و نزدیکانش هستند که ما را به نیکی با آنها سفارش نموده است و از فضیلت‌هایشان برایمان سخن گفته و کتاب‌های حدیثی صدها روایت در فضایل آنها روایت کرده‌اند و اگر سیاست سببی در پنهان کردن روایت آل بیت گرامی بود پنهان کردن احادیث وارده در فضیلت آنها اولی‌تر و مناسب‌تر می‌بود در حالی که در کتاب‌های حدیثی و کتاب‌های عقیدتی اهل سنت صدها حدیث در فضیلت آنها - رضی الله عنهم - وارد شده است، اینها به غیر از روایاتی هستند که خودشان نقل نموده‌اند، بنابراین نیاز نداشتند که به این کار پرداخته یا در حفظ و انتشار آن به خود زحمت بدهند چرا که در میان مردم منتشر و مشهور و مورد قبول بوده است و جوینده‌ی آن به سختی نمی‌افتاده است، پس آیا این دلیلی کافی برای باطل بودن هرگونه خیال متعصبانه در فهم این قضیه نیست؟!

امیدواریم شخص سؤال کننده را با مقداری از حقایق این باب آشنا کرده باشیم و گرنه این موضوع جزئیات بسیاری را در خود دارد و همچنین نیاز به ذکر آمارها و بازنگری بیشتری دارد.

نکته: همه‌ی اعداد ذکر شده در این پاسخ را از کتاب **المسند الجامع** گرفته‌ایم که در آن احادیث کتاب‌های سته (شش‌گانه) و تألیفات حدیثی دیگر در آن وجود دارد و همچنین موطای مالک و مسانید حمیدی و احمد بن حنبل و عبد بن حمید و سنن دارمی و صحیح ابن خزیمه.

این کتاب تحقیق و ترتیب: دکتر بشار عواد معروف و ابو المعاطی محمد نوری، احمد عبدالرزاق عید و ایمن ابراهیم زمیلی، محمود محمد خلیل می‌باشد که در ۲۲ جلد توسط دار الجیل چاپ شده است و ما اعداد را از این کتاب انتخاب کردیم زیرا تألیف آن به پایان رسیده و بر اساس مسانید صحابه مرتب شده است و کتاب‌های روایی بسیاری را در خود جمع کرده است و از نظر ترتیب و شماره گذاری نیکو می‌باشد، البته باید بیان کنیم که این اعداد شامل احادیث صحیح و ضعیف می‌باشد و همچنین شامل روایت تکراری است زمانی که چند تابعی از یک صحابه‌ی گرانقدر روایت کرده باشند در نتیجه هرچه تعداد تابعین بیشتر باشد اعداد نیز بیشتر می‌شود، چنانکه در در مقدمه شرح داده شد (۱/۱۲).

والله اعلم.